

مروری بر اهمیت پایداری اجتماعی در برنامه‌ریزی راهبردی

An Overview of the Importance of Social Sustainability in Strategic Planning

رضا فرح بخش دقیق^۱، مریم محمدی^۲

چکیده

پایداری اجتماعی مفهومی نسبتاً نو ظهور در ابعاد توسعه‌ی پایدار است. این مفهوم مشتمل بر سرمایه اجتماعی، برابری و عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، ابعاد فرهنگی و... است. این مقوله، مفهومی گسترده و عمیق است که عناصر و شاخص‌های متعددی را در بر می‌گیرد. توجه هم‌زمان به ابعاد پایداری مشتمل بر بعد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی و در نظر گرفتن ماهیت مستقل و تأثیرگذار برای این بعد، از الزامات تحقق توسعه‌ی پایدار است. اعاده‌ی پایداری اجتماعی در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و طراحی در شهر، موضوع مهمی است که باید مورد توجه خاص قرار گیرد. امروزه پایداری به دلیل اهمیت موضوع، به عنوان یک پارادایم غالب در انواع الگوهای برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی پایداری اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های کلان، برای تحقق مفهوم بنیادین پایداری توسعه به شدت احساس می‌شود. با این توضیح، هدف این مقاله آن است تا ضمن واکاوی و ارائه‌ی تعریفی مناسب و دقیق از مفهوم پایداری اجتماعی، با شناخت اصول، عناصر و سنجه‌های و روش‌های ارزیابی پایداری اجتماعی به بررسی ابعاد پایداری اجتماعی در برنامه‌ریزی راهبردی بپردازد. روش این پژوهش مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی است و بنابراین از خلال بررسی مقالات این حوزه و تحلیل آن‌ها، مفهوم پایداری اجتماعی تبیین و سپس مبتنی بر رویکردی تحلیلی جایگاه آن در برنامه‌ریزی راهبردی بررسی شده است. بر اساس نتایج حاصل از بررسی کلی برنامه‌ریزی راهبردی، یکی از رهیافت‌های مهم برای تحقق این برنامه توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی است.

کلید واژگان: پایداری، پایداری اجتماعی، برنامه‌ریزی راهبردی.

۱. کارشناسی ارشد، طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، قزوین، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)، پست الکترونیک: farahbakhsh.reza@gmail.com

۲. دانشیار، گروه طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. پست الکترونیک: m.mohammadi@art.ac.ir



۱- مقدمه

پایداری اجتماعی تلاشی است برای تحقق سیستمی که عدالت در توزیع فرصت‌ها، تأمین کافی خدمات اجتماعی شامل سلامت، تحصیلات، عدالت جنسیتی، پاسخگویی و مشارکت سیاسی را فراهم می‌آورد. آنچه در رابطه با مفهوم پایداری مطرح است، می‌تواند در قالب پرسش‌های زیر بیان شود:

- آیا پایداری اجتماعی پیش‌شرطی اجتماعی برای توسعه پایدار است و یا نیازی برای حفاظت از سنت‌ها و ساختارهای ویژه جوامع محلی و اجتماع هست؟

- آیا این مفهوم قطعیت توسعه را محقق می‌کند؟ درحالی‌که پایداری محیطی و اقتصادی، هر دو اهداف توسعه پایدار هستند و ابزاری برای دستیابی به آن می‌باشند؟

- و در نهایت آیا پایداری اجتماعی یابانه است؟ یا فرآیندی اجتماعی-اقتصادی است (Colantonio, 2009, 2)؟

بدین ترتیب، به‌منظور روشن شدن موضوع ضروری است تا در ابتدا مفهوم پایداری اجتماعی و جایگاه آن در رابطه با سایر جنبه‌های پایداری مشخص شود. هدف مقاله‌ی حاضر معرفی بعد اجتماعی پایداری و در عین حال بررسی ابعاد آن در برنامه‌ریزی راهبردی است. ساختار مقاله حاضر، به‌منظور دستیابی به اهداف بدین شرح است: در ابتدا تعریفی از مفهوم پایداری ارائه و در ادامه تعاریف مختلف از مفهوم پایداری اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس بررسی تاریخی رویکردهای مرتبط با موضوع پایداری اجتماعی بیان می‌شود. همچنین در گام بعد، شناخت عناصر، اصول و سنجش‌های پایداری اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و عوامل نوظهور و سنتی در مفهوم پایداری اجتماعی به‌صورت تطبیقی مورد مذاقه قرار می‌گیرد. در ادامه با توجه به اهمیت ارزیابی‌های اجتماعی در فرآیند برنامه‌ها، برخی از مهم‌ترین روش‌های ارزیابی پایداری اجتماعی ارائه می‌شود. در مرحله بعد با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به این بعد پایداری در برنامه‌ریزی شهری، به شناسایی و بررسی بعد اجتماعی پایداری در اهداف و راهبردهای برنامه‌ریزی راهبردی پرداخته می‌شود.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف پژوهش که بررسی جایگاه و اهمیت پایداری اجتماعی در برنامه‌ریزی راهبردی است، از نوع تبیینی است. به این منظور به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای بهره برده شده و با مرور اسناد دست اول داخلی و خارجی در هر دو حیطه‌ی پژوهش و سپس تحلیل محتوای آنها به‌شیوه‌ی کیفی تلاش شده تا ضمن بررسی مفاهیم هر دو حیطه، ارتباطات میان آنها با شیوه‌ی استنباطی تدوین شود. با این توضیح داده‌های این پژوهش، اسناد هستند و با روشی کیفی ارتباط میان دو حیطه تحلیل و تبیین شده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- مفهوم پایداری و بررسی جایگاه پایداری اجتماعی در آن

توسعه‌ی پایدار، مفهومی است که در سال‌های اخیر، به‌عنوان یک مسئله‌ی جهانی به آن نگریده شده است. در توسعه‌ی پایدار شهری، کیفیت زندگی انسان به‌عنوان یکی از محورهای مهم مطرح است؛ به‌طوری‌که تداوم زندگی شهروندان توأم با رفاه اجتماعی و بالندگی است (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۷، ۹۵). مفهوم پایداری در دهه‌ی ۱۹۸۰ در پاسخ به تنزل محیطی که به‌واسطه‌ی مدیریت ضعیف منابع به‌وجود آمده بود، ظهور پیدا کرد. به این دلیل که محیط به‌عنوان موضوعی جهانی به‌سرعت مورد توجه قرار گرفت، پایداری به‌عنوان هدفی سیاسی پذیرفته شد. در سال ۱۹۶۰ سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۱، سیاست‌های پیش‌رو را در جهت بالا بردن رشد اقتصادی پایدار و اشتغال در کشورهای عضو با هدف تحریک اشتغال و افزایش استانداردهای زندگی مورد توجه قرار داد. در سال ۱۹۸۰ نیز، استراتژی‌های حفاظت جهانی به‌وسیله‌ی اتحادیه‌ی بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت منتشر شد (McKenzie, 2004, 1).

در اینجا، یکی از ساده‌ترین تعاریف از مفهوم توسعه‌ی پایدار ارائه می‌شود، در تعریف توسعه‌ی پایدار در کمیسیون برانتلند در سال ۱۹۸۷، آمده که توسعه‌ی پایدار به مفهوم رفع نیاز امروز، بدون کاهش توانایی آیندگان برای تأمین نیازهایشان هست. در واقع توسعه و مدیریت پایدار آن، چنان توسعه‌ای است که ایجاد، حفظ و ارتقای کیفیت زندگی کلیه‌ی افراد بشر را در تمام زمان‌ها، باید در نظر داشته باشد (لقایی و محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱، ۳۵). مفهوم پایداری، مضمونی گسترده است که از تعبیر در

رویکردی که توجه خاص به توسعه‌ی اقتصادی که اغلب شامل گسترده‌گی مصرف و تولید ناخالص داخلی^۲ است تا رویکردی نوین در توسعه که توسعه‌ی پایدار خوانده می‌شود را در برمی‌گیرد. تعریف علمی این مفهوم، نیازمند شناخت اهداف کلان، اهداف مشخص، پژوهش در خصوص شناسایی کمبودها و شناخت مرزهای تأمین نیازمندی‌های بشر و... است (Assefa & Frostell, 2007, 64). لازم به ذکر است که ابهام در تعریف مفهوم پایداری، این امکان را برای توسعه‌دهندگان و دیگران فراهم کرده که علایق خود را در راستای توسعه پایدار قلمداد کنند، درحالی که فعالیتشان در واقع به ناپایداری منجر می‌شود (McKenzie, 2004, 2).

مفهوم پایداری دستورالعملی چندمرکزی و بسیط است، این مفهوم مشتمل بر ابعادی چندگانه است که مهم‌ترین ابعاد آن عبارت هستند از ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی که برای بیان آن از واژگانی مانند «نتایج نهایی سه‌گانه^۳» و «توسعه‌ی پایدار» استفاده می‌شود (McKenzie, 2004, 1). توجه به بعد اجتماعی در چارچوب مفهوم پایداری، از دهه‌ی ۱۹۸۰ به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. در عین حال اخیراً برخی از ابعاد پایداری اجتماعی مانند پایداری سیاسی و فرهنگی از بعد اجتماعی تفکیک شده‌اند و به دلیل اهمیت موضوع مستقلاً مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای نمونه سکر تفاوتی میان پایداری بخشی و مفهوم کلی پایداری قائل شده است. وی برای درک مفهوم کلی پایداری، معیارهایی که بر ارتباط با سه بعد پایداری در کنار بعد چهارم پایداری که بر سیستم‌های سیاسی تأکید دارد را مورد توجه خاص قرار می‌دهد. وی معتقد است این چهار بعد توأمان باید مورد توجه قرار گیرند.

– **پایداری اکولوژیکی:** حفاظت از سرمایه‌های طبیعی است که به وسیله‌ی پایداری محیطی و ارضی محقق می‌شود. اولی در ارتباط با اکوسیستم‌های طبیعی و دومی در ارتباط با ارزیابی توزیع فضایی فعالیت‌های انسانی و شکل شهر-روستا است. پروژه‌های مکانیسم‌های توسعه‌ی پاک از ایده‌ی پایداری اکولوژیکی حمایت می‌کنند (Bohm, Misoczky & Moog, 2012).

– **پایداری اقتصادی:** به صورت گسترده‌تری، کارآمدی سیستم‌های اقتصادی (مؤسسات، سیاست‌ها و قوانین عملکردی) را مورد توجه قرار می‌دهد که پیشرفت کمی و کیفی و برابری اجتماعی را تضمین می‌کند.

– **پایداری اجتماعی:** مشتمل بر ابعاد و نتایج پایداری اجتماعی و هم‌چنین پایداری فرهنگی است.

– **پایداری سیاسی:** رضایت از چارچوب کلی در حکمروایی ملی و بین‌المللی را مورد توجه خاص قرار می‌دهد. در بسیاری از منابع، موضوعاتی که در ارتباط با پایداری سیاسی مطرح هستند، اغلب در حیطه‌ی پایداری اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند (Assefa & Frostell, 2007, 64).

بررسی‌ها در زمینه‌ی جایگاه بعد اجتماعی در توسعه پایدار نشان می‌دهد، پایداری اجتماعی به‌عنوان بعدی از مفهوم پایداری در ابتدا به‌عنوان ابزاری در جهت توسعه‌ی پایدار اجتماعی و اقتصادی بوده است. در بسیاری از منابع که پایداری را مورد توجه قرار می‌دهند، نقش عنصر «اجتماعی» با دو فرضیه‌ی اصلی مورد توجه قرار گرفته است.

موقفیت برنامه‌های توسعه‌ی پایدار به واسطه‌ی پتانسیل برنامه‌ها در دستیابی به استانداردهای بالای زندگی در مقابل سنجش حداقل تنزل محیطی قرار می‌گیرد؛ بنابراین توسعه‌ی اجتماعی و حفاظت از محیط در مقابل هم قرار می‌گیرند و لازم است تا تعادلی میان آن‌ها برقرار شود.

در بسیاری از تعاریف پایداری که از زمینه‌ی اقتصادی و محیطی، علوم اجتماعی را می‌نگرند، علوم اجتماعی را به‌عنوان ابزاری کارآمد و اولیه برای توسعه‌ی پایداری اقتصادی و محیطی می‌بینند (McKenzie, 2004, 11).

۳-۲- پایداری اجتماعی

پایداری اجتماعی با نقد رویکردهای نظری بوم‌محور بر مباحث توسعه، پدیدار شد (دانش‌مهر، کریمی و محمدی، ۱۳۹۷). بر اساس بررسی‌ها مطالعه‌ی کم در زمینه‌ی مفهوم پایداری اجتماعی از یک سو و عدم توجه به آن در غالب ابعاد پایداری و توجه به مفهوم توسعه‌ی پایدار در قلب یا مرکز دستورالعمل جوامع محلی پایدار (پیمان بریستول، ۲۰۰۵)؛ از مهم‌ترین دلایلی است که ضرورت بررسی پایداری اجتماعی را نشان می‌دهد (Colantonio, 2009, 4). در بررسی مفهوم پایداری اجتماعی مشاهده می‌شود که این بعد می‌تواند به‌عنوان یک موقعیت، پایگاهی از بهترین عملکرد، رویکردی سیستمی و پیچیده و یا به‌عنوان یک فرآیند مورد بررسی قرار گیرد (McKenzie, 2004, 24). به عبارتی فهمی فازی از مفهوم پایداری اجتماعی وجود



دارد و عمومیت کلی در تعاریف آن مشاهده نمی‌شود (Colantonio, 2009, 6). به‌طور کلی پایداری اجتماعی یک مفهوم چندبعدی است. این بعد از پایداری با چندین موضوع اجتماعی مانند نابرابری، جابه‌جایی و کیفیت پایین زیست‌پذیری سروکار دارد. از آنجاکه این مفهوم شامل موضوعات مختلفی می‌شود و به حوزه‌های فلسفی، سیاسی و عملی تعلق دارد؛ بنابراین، تعیین مرزهای آن و تعریف دقیق معنای پایداری اجتماعی پیچیده است (Marta & Giulia, 2020). در واقع با توجه به فهم فازی و هیبریدی از موضوع، این مفهوم بسیار گسترده و در عین حال پیچیده است؛ اما باید توجه داشت که پایداری اجتماعی که عموماً به‌عنوان «حفظ یا بهبود رفاه مردم در این نسل و نسل‌های آینده» تعریف می‌شود، یک مفهوم ذاتاً کثرت‌گرایانه است. این بدان معنی است که درحالی که اهمیت مفهوم کلی را بپذیریم، طیف وسیعی از الگوهای عملیاتی‌سازی احتمالاً متضاد ممکن است با توجه به زمینه‌های خاص آن‌ها، هم‌وجه و هم از نظر تجربی درست باشند (Janssen, Daamen & Verdass, 2021). با این حال می‌توان هدف از پایداری اجتماعی را بهبود شرایط زندگی و فرآیندی برای دسترسی جوامع به بالاترین سطح کیفیت زندگی در جامعه دانست (نسترن، قاسمی و هادیزاده زرگر، ۱۳۹۱).

همان‌طور که بیان گردید توسعه‌ی پایدار، موضوعات اقتصادی، محیطی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. در این میان پایداری اجتماعی، بعدی نسبتاً جدید است. پایداری اجتماعی، مفهومی را بیان می‌کند که در آن افراد و جوامع محلی امکان لذت بردن از زندگی اجتماعی سالم و رضایت‌بخش را داشته و از تبعیض، ترس، جرم و رفتار غیر اجتماعی رها هستند. عدالت، شأن و احترام مفاهیمی هستند که در ارتباط با توزیع فراگیر کالاهای غیرمادی و رفاه در جوامع قرار می‌گیرد. مفاهیم مرتبط با پایداری اجتماعی عبارت هستند از: امنیت، تعهد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام گروه‌ها (Housley & Atkins, 2007, 5). به‌طور کلی مفهوم توسعه‌ی پایدار اجتماعی از دهه‌ی ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفت. در ابتدای ظهور این مفهوم، ابعاد و عناصری که تحت عنوان این بعد پایداری مورد توجه قرار می‌گرفتند، محدود بوده و در ارتباط با تحقق دو بعد دیگر در مفهوم پایداری بودند. مقایسه‌ای از ابعاد پایداری در سه دوره‌ی تاریخی نشان می‌دهد، مفهوم پایداری اجتماعی در مقایسه با مفاهیم اقتصادی و محیطی پایداری کمتر مورد توجه بوده است (Colantonio, 2009, 4). بدین ترتیب، دیرزمانی نیست که بعد اجتماعی پایداری در ادبیات موضوع پایداری مورد توجه قرار گرفته و حتی در برهه‌ی زمانی که مورد استفاده بوده، تأکید بیشتری بر موضوعات سلامت انسانی و ایمنی بوده است تا جنبه‌های فرهنگی و اخلاقی آن. کشورهای در حال توسعه نیز، بیشتر به‌دلیل منافع اقتصادی، تأکید بر حفاظت از محیط دارند و آنچه اغلب مورد توجه قرار نمی‌گیرد، تأثیرات مداوم اجتماعی است (Hutchins & Sutherland, 2008, 1689).

بر اساس منابع تنوعی از تعاریف با محوریت خاص بر یک بعد از موضوع پایداری اجتماعی مورد توجه است. برای نمونه در برخی از نویسندگان در مورد پایداری اجتماعی در رابطه با دموکراسی و برابری بحث می‌کنند، درحالی که برخی دیگر رابطه‌ی بین توسعه‌ی شهری و پایداری اجتماعی را با تمرکز بر مشارکت و مشارکت اجتماعی برجسته می‌نمایند. گروهی دیگر نیز بعد اجتماعی پایداری را از طریق تأثیرات اجتماعی عناصر فیزیکی و تحول شهری بررسی می‌کنند (Marta & Giulia, 2020). در این میان در تعاریف دیگری از این مفهوم نیز، پایداری اجتماعی در ارتباط خاص با توسعه‌ی انسانی، سرمایه‌ی اجتماعی، مسئولیت اجتماعی مشترک و... قرار می‌گیرد. در ادامه از خلال این مفاهیم پایداری اجتماعی بررسی می‌شود.

۳-۲-۱- مفهوم توسعه‌ی پایدار اجتماعی به‌مثابه‌ی عاملی مؤثر در توسعه‌ی انسانی

بعد اجتماعی از دید هریس^۴ و گودوین^۵، با عنوان «توسعه‌ی انسانی» مطرح شده که پیشروی در جهت توانمند کردن همه‌ی گروه‌ها، برای بهره‌مندی و رضایت از نیازمندی‌های ضروری، شامل دست‌یابی به سطح معقولی از آسایش، تسهیم عادلانه فرصت‌ها در زمینه‌ی سلامتی و تحصیلات را مورد توجه قرار می‌دهد. تلاش برای بیان این بعد از پایداری که منجر به ایجاد سیستم اجتماعی می‌شود، عدالت در توزیع فرصت‌ها، تأمین کافی خدمات اجتماعی شامل سلامت، تحصیلات، عدالت جنسیتی، پاسخ‌گویی و مشارکت سیاسی را فراهم می‌آورد. پایداری اجتماعی، به‌عنوان فصل مشترکی در قطعیت و حتمیت توسعه مورد توجه است (Assefa & Frostell, 2007, 64-65).

۳-۲-۲- تعریف پایداری اجتماعی به‌عنوان سرمایه اجتماعی

پایداری اجتماعی، به مفهوم حمایت از سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، مشتمل بر سرمایه و خدماتی است که چارچوبی اولیه، برای جامعه ایجاد می‌کند. سرمایه اجتماعی، هزینه‌ی کار کردن با هم و تجهیزات را کاهش می‌دهد. اعتماد، از هزینه‌های

معاملات می‌کاهد و تنها مشارکت سیستمی جامعه‌ی محلی و اجتماع مدنی قدرتمند که مشتمل بر حکومت‌ها است به آن دست خواهند یافت. در جوامع محلی برای نفع متقابل، عدم ارتباط میان گروه‌های مردم، عمل متقابل، تحمل، صبر، مهربانی، شکیبایی، عشق، نوع‌دوستی، استانداردهای مقبول در رابطه با صداقت، مقررات و اخلاقیات هستند (Goodland, 2002, 2). ارزش‌های مشترک، به‌دلیل سرمایه‌ی اجتماعی تشکیل می‌شوند که حداقل ارتباط را با سنجش دقیق دارند، اما برای تحقق پایداری اجتماعی بسیار ضروری هستند. خشونت هزینه‌ای اجتماعی است که در برخی جوامع به‌دلیل سرمایه‌گذاری ناکافی در سرمایه اجتماعی اتفاق می‌افتد. خشونت و جدایی اجتماعی، از مهم‌ترین محدودیت‌های پایداری هستند.

سرمایه‌ی اجتماعی که بعضاً سرمایه‌ی معنوی هم خوانده می‌شود، نیازمند حمایت و جایگزینی به‌وسیله‌ی حقوق یکسان و ارزش‌های مشترک و تعاملات فرهنگی و مذهبی است. بدون چنین توجهی، سرمایه‌ی اجتماعی مطمئناً در حد سرمایه‌ی کالبدی تنزل می‌یابد. ایجاد و حفاظت از سرمایه‌ی اجتماعی همان‌طور که در رابطه با پایداری اجتماعی مورد توجه است تا کنون شناخته نشده است. الگوی غربی سرمایه‌داری، سرمایه‌ی اجتماعی را تا حدی تضعیف می‌کند و منجر به ایجاد رقابت و فردگرایی در مقابل مشارکت و اجتماع شده است (Goodland, 2002, 2).

هم‌چنین یکی از بزرگ‌ترین مطالعات به‌وسیله آکادمی علوم اجتماعی در استرالیا با هدایت کریس کوکلین^۲ و مارگارت آلستون انجام شده است؛ سرمایه‌ی اجتماعی و پایداری اجتماعی در شش مرکز روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. این چارچوب سرمایه را در پنج دسته مورد بررسی قرار داده است. این سرمایه‌ها با هدف ایجاد چارچوبی برای دسته‌بندی، سنجش و ارزیابی جوامع محلی و تغییرات اجتماعی مورد توجه بوده است. در جدول شماره‌ی ۱، رابطه‌ی میان شاخص‌های پایداری اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی بیان شده است. دسته‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی که در این پروژه به‌منظور بررسی پایداری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارت هستند از:

- سرمایه‌های طبیعی (منابع طبیعی، اکوسیستم، ارزش‌های زیبا شناسانه)؛
- سرمایه‌های انسانی (دانش و مهارت‌های فردی)؛
- سرمایه‌های اجتماعی (شبکه‌های تولیدی و ارزش‌های مشترک)؛
- سرمایه‌های موسسه‌ای (ساختارهای موسسه‌ای در بخش‌های خصوصی / عمومی و...)
- سرمایه‌های تولیدی (محیط مصنوع، کالاهای مصنوع و منابع مالی) (McKenzie, 2004, 13-14).

جدول ۱- بررسی سنجه‌های پایداری اجتماعی و انواع سرمایه‌ی اجتماعی (McKenzie, 2004, 16)

سنجه	اجتماعی	انسانی	موسسه‌ای	تولیدی	طبیعی
حس آینده‌نگری	•				
حس تعلق	•				
فعالیت‌های جامعه محلی	•				
ساختار سنی	•	•	•		
نمایندگی سیاسی		•			
امکان‌سنجی اقتصادی		•	•	•	•
فرصت‌های اشتغال			•	•	•
مجلس			•	•	•

در برنامه‌ی پایداری اجتماعی شهر اسپروش گروتا در آلبرتا، کانادا، پایداری اجتماعی مبتنی بر یک‌دلی و مشمولیت تعریف شده که به ارتقا ارتباط و تعهد در جامعه کمک می‌کند. این تعریف از پایداری اجتماعی نیز در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی است. راهبردهایی که در راستای تحقق این مفهوم مورد توجه بوده، به این شرح است: توجه به وضعیت افراد بی‌خانمان؛ کاهش خشونت خانگی و سطح خانواده‌ها؛ تأمین حمل‌ونقل قابل استطاعت؛ توسعه‌ی مسکن؛ دسترسی به برنامه‌ی رفاه اجتماعی؛ تعهد اجتماعی؛ ایجاد شهر مشمولیت‌پذیر؛ حکمروایی مدنی (The city of Spruce grove, 2016).



۳-۲-۳- مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان مسئولیت اجتماعی مشترک

مفهوم مسئولیت اجتماعی مشترک^۷، اهمیت بعد اجتماعی را در پایداری تأیید می‌کند. درحالی‌که تعریف براتلندی از پایداری به‌صورت گسترده شناخته شده و در کلیت پذیرفته شده است، اما به‌عنوان یک نقطه آغازین در تدوین تعریف پایداری، تعریفی دقیق برای مسئولیت اجتماعی مشترک و پایداری اجتماعی است. ارتباطاتی قوی میان مفاهیم پایداری و مسئولیت اجتماعی مشارکتی وجود دارد. بسیاری از تعاریف مشتمل بر مقایسه‌ی رفتار اخلاقی هستند که در ارتباط با محیط، اجتماع و اقتصاد قرار می‌گیرند. یکی دیگر از اصول مسئولیت اجتماعی مشارکتی، مرتبط با تجارت است که مشتمل بر ارزش‌ها و معنویات جامعه است. برخی معتقدند تنها مسئولیت اجتماعی در یک مؤسسه‌ی شغلی، تأمین سود مالکان و سهام‌داران است (Hutchins & Sutherland, 2008, 1689).

با توجه به موارد بیان شده، انواع رویکردهای مورد توجه در موضوع پایداری اجتماعی، در دوره‌های زمانی مختلف در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، با توجه به نوظهور بودن مفهوم پایداری اجتماعی، در ابتدا تأکید خاص بر مفاهیم سنتی و در ارتباط با سطوح پایین نیازها، مطرح بوده و در طی زمان، موضوعات مورد تأکید این بعد، عناصر نوظهورتری را مورد تأکید قرار داده‌اند. «برای نمونه در دهه‌ی ۸۰ فعالیت‌های مختلفی در زمینه‌ی تساوی حقوق، ایجاد عدالت جنسیتی به‌خصوص به‌واسطه گروه‌های زنان صورت گرفته است (Frank, 2000, 347)». همان‌طور که در دسته‌بندی انواع تعاریف ارائه شده از مفهوم پایداری اجتماعی مشاهده می‌شود، سرمایه‌ی اجتماعی و مسئولیت اجتماعی مشترک، جز رویکردهای مهم اما اولیه در بررسی تاریخی رویکردهای پایداری اجتماعی هستند.

در عین حال با توجه به نوع رویکردی که در پایداری اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، سیاست‌ها و راهبردهای تحقق آن در برنامه‌ریزی نیز باید مشخص شود. برای نمونه اگر رویکرد سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، راهبرد بهبود سرمایه اجتماعی باید انتخاب شود و در صورت توجه به نظریه‌ی سرمایه‌ای و حکمروایی، راهبرد افزایش مشارکت و توانمندسازی باید لحاظ شود. یا در صورت تأکید بر رویکرد رفاه و بهبود کیفیت زندگی، سرزندگی شهری راهبرد مناسبی است.

جدول ۲- بررسی رویکردهای مهم در پایداری اجتماعی (Colantonio, 2009, 8)

رویکردها	نظریه‌پردازان اصلی	محدوده زمانی
برابری و تحقق حقوق انسانی (برای نمونه مطالعات فقر و توسعه‌ی نابرابری‌ها)	سن ^۸ (۱۹۸۵ و ۱۹۹۲)، سکز ^۹ (۲۰۰۱)	میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۸۰
موجودی سرمایه (مانند سرمایه اجتماعی، برابری سرمایه محیطی و...)	کولمن ^{۱۰} (۱۹۸۸)، پوتنم ^{۱۱} (۱۹۹۳)، ریس و وکرناگل ^{۱۲} (۱۹۹۶)	تا اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰
نظریه‌ی موسسه‌ای و حکمروایی (مانند مشارکت)	چیمبرز ^{۱۳} (۱۹۹۲)، هیلی ^{۱۴} (۱۹۹۲)	تا اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰
مطالعات موسسه‌ای و تجارت (مسئولیت اجتماعی مشارکتی)	الکیتون ^{۱۵} (۱۹۹۴)	تا میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰
علوم اجتماعی و رفتاری (رفاه، رویکرد سلامت و شادکامی)	لیارد ^{۱۶} (۲۰۰۵)	تا اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰
نظریه‌ی انتقال	روتمنز ^{۱۷} ، لوباچ ^{۱۸} و دیگران (۲۰۰۶)	دهه‌ی اول قرن ۲۱

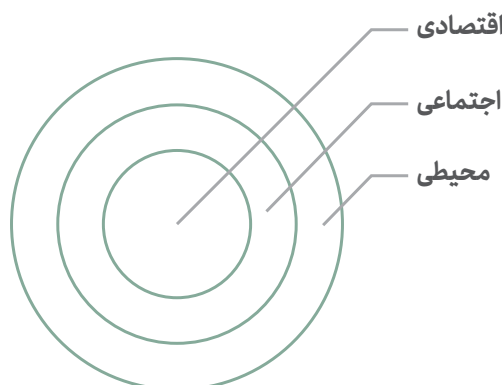
تعمق در تعاریف، این پرسش را مطرح می‌کند که پایداری اجتماعی بعدی مستقل در مفهوم پایداری یا ابزاری است برای تحقق مفهوم پایداری اقتصادی و محیطی؟ برای نمونه در برخی از تعاریف، مشاهده می‌شود که به بعد اجتماعی پایداری به‌عنوان ابزاری برای تحقق دو بعد دیگر نگریسته شده است. برای نمونه در گزارشی که با عنوان «دستورالعمل برون^{۱۹}» منتشر گردید، بیان شد که بهبود توسعه‌ی اقتصادی و افزایش سرمایه اجتماعی ابزاری کلیدی برای کنترل و حفاظت از نابودی محیطی است؛ چراکه گسترده‌ترین و نامناسب‌ترین نوع تنزل محیطی در محدوده‌هایی با فقر بالا و همبستگی اجتماعی پایین اتفاق می‌افتد و این مسئله مطرح است که افزایش سرمایه‌ی اجتماعی که به‌واسطه‌ی توسعه محقق می‌شود در بهبود توسعه مؤثر است (McKenzie, 2004, 3).

در دهه‌های اولیه بررسی مفهوم پایداری اجتماعی، تمرکز خاص بر موضوع پایداری به‌صورت مجزا صورت نگرفته و همین امر موجب گردید تا تعریفی مشخص از این مفهوم و شاخص‌های آن ارائه نشود. بی‌شک درک دقیق این مفهوم نیازمند توجه و تأکید بر آن به‌عنوان بعدی مستقل و نه بررسی ابزاری آن است. درعین‌حال در ابتدا، تأکید بر نیازهای اولیه مورد توجه بوده، درحالی‌که توجهات اخیر در ارتباط با حکمروایی، نمایندگی و سایر عوامل مؤسسه‌ای است.

بدین ترتیب، دو مدل کلی در زمینه‌ی بررسی رابطه‌ی میان جنبه‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی پایداری توسعه‌ی قابل بررسی است. تصویر مدل اول سه قلمرو هم‌مرکز را نشان می‌دهد و رابطه‌ی میان بعد اجتماعی را در مفهوم پایداری ابزاری می‌بیند. بدین ترتیب قلمروی اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان قلمروی وابسته به بعد محیطی به تصویر کشیده شده‌اند. در مدل دوم که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است، سه قلمرو به‌صورت یکسان بر هم اثر دارند و در قالب مدل دواپری که با یکدیگر همپوشانی دارند، تصویر شده است (McKenzie, 2004, 3).

تنها در رویکردهای اخیر، تلاش در جهت ارائه‌ی تعریف اجتماع به‌عنوان مفهومی مرکزی در پژوهش‌ها و توسعه‌ی پایدار مورد توجه قرار گرفته است. هنگامی که مدل‌های تکمیلی و میان‌رشته‌ای بیشتر رایج شدند، اصل «اجتماعی» در مدل‌های پایداری که مفاهیم اصلی آن محیط و اقتصاد هستند جای خود را پیدا کرده است. این امر در معدودی از پژوهش‌های واقعی در چارچوب پایداری با هدف توسعه و نگهداری از برابری و عدالت اجتماعی، محقق شده است. بی‌شک، تلاش‌هایی که در مقابل علوم اجتماعی قرار می‌گیرند و مدل‌هایی که به‌وسیله‌ی علوم فیزیکی پیش‌بینی می‌شوند، به راه‌حل‌های میان‌رشته‌ای که مشخصاً پایداری نیازمند آن است رهنمون نمی‌شود (McKenzie, 2004, 11). به‌منظور دنبال کردن مفهوم پایداری اجتماعی در ابتدا باید برای آن تعریفی مشخص و مجزا از پایداری اقتصادی و محیطی در نظر گرفت. هنگامی که فرآیند تعریف کامل شود، عواملی که بر سیاست برابری اجتماعی تأثیرگذار هستند مشخص خواهند شد و این امر تنها در قالب یک مدل پایداری مربوط به رشته‌های مختلف محقق خواهد شد.

فارغ از موارد بیان شده، چارچوب مفهومی جامع از پایداری اجتماعی چهار مفهوم مرتبط با هم از شیوه‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد که در آن هر مفهوم عملکرد متمایزی در چارچوب دارد و جنبه‌های اجتماعی عمده را در بر می‌گیرد. مفهوم برابری که شامل سه بعد است: شناخت که «هویت‌های ناعادلانه بی‌ارزش شده را ارزش‌گذاری می‌کند»، توزیع مجدد که نشان می‌دهد، پرهیز از بی‌عدالتی نوعی بازسازی اقتصادی را طلب می‌کند و برابری مشارکت که مشارکت عمومی را در تولید فضا ترویج می‌دهد. مفهوم ایمنی پایه‌ی هستی‌شناختی پایداری به‌طور عام و پایداری اجتماعی به‌طور خاص است. این مفهوم نه تنها به ایمن بودن اشاره دارد، بلکه همه‌ی اقدامات سازگاری و امنیتی را برای جلوگیری از تلفات و آسیب‌های فیزیکی آینده اتخاذ می‌کند. مفهوم اقتصاد زیست‌محیطی که به شیوه‌های تولید و کسب ارزش‌ها از راه‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی و زیست‌محیطی اشاره دارد. مفهوم فرم شهری بیانگر ابعاد کالبدی فرم‌های کالبدی شهری و اجتماعی مورد نظر اجتماعی است. در نهایت، یک فرم فیزیکی مطلوب باید حس اجتماع، ایمنی، سلامت و دلبستگی به مکان را در میان سایر اهداف محیطی ارتقا دهد (Eizenderg & Jabareen, 2017).



تصویر ۱- مدل اول، هم‌مرکز (McKenzie, 2004, 4)

اجتماعی

محیطی

اقتصادی

تصویر ۲- مدل دوم ابعاد پایداری (McKenzie, 2004, 5)

۳-۳- اصول پایداری اجتماعی

بررسی اصول پایداری اجتماعی نشان می‌دهد، برابری، مشمولیت مدنی، حکمروایی و... جزء اصول مهم در مفهوم پایداری هستند. این اصول مبتنی بر مجموعه‌ای از رویکردهای سنتی و نوظهور در پایداری اجتماعی هستند. همچنین، اصول مرتبط با ابعاد فرهنگی پایداری نیز در اصول بیان شده، وجود دارد. درعین‌حال باید توجه داشت که اصول ارائه شده در زیر، قطعی نبوده و با توجه به نوع فعالیت می‌توانند محدود و یا گسترده‌تر شوند. در ادامه هم‌چنین نمونه‌ای از اصول کاربردی در پروژه‌ای خاص ارائه می‌شود.

هم‌چنین بررسی مقایسه‌ای اصول پایداری اجتماعی با سلسله مراتب نیازهای مازلو نیز نشان می‌دهد، ابعاد اجتماعی و فرهنگی در سطوح بالای نیازهای مازلو هستند. هرم سلسله‌مراتبی مشتمل بر پنج سطح است که در دو گروه اصلی قرار می‌گیرند. چهار سطح اولیه به‌عنوان نیازهای ابتدایی تلقی می‌شوند و در صورت عدم تأمین، نبود آن‌ها احساس می‌شود و فعالیت مناسبی برای تحقق آن صورت می‌گیرد. سطوح بالا، مشتمل بر نیازهای سطح «ب» هستند که مشتمل بر زیبایی، معنی، اعتماد، سلامت، نظم و سادگی می‌شود که ابعاد اجتماعی و فرهنگی پایداری آن‌ها را در بر می‌گیرد.

بسیاری از فعالیت‌ها که در ارتباط مستقیم با دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار هستند بر سطوح پایین هرم مازلو تأکید دارند که نیازهای مادی را به‌واسطه‌ی حفظ منابع طبیعی تجدیدناپذیر شامل سوخت‌های فسیلی، کاهش آسیب‌های ناشی از آلودگی و انتشار گاز دی‌اکسید کربن هدف قرار می‌دهند. باید توجه داشت که نیازهای ابتدایی بر سایر سطوح نیازها اولویت دارند. هر چند مشاهدات نشان می‌دهد که ارتباط میان سطوح پیچیده است و برای اعاده‌ی سطوح بالاتر نیازها، ضرورتی بر تأمین کامل سطوح پایین‌تر نیازها نیست (Tweed & Sutherland, 2007, 64). مهم‌ترین اصول پایداری اجتماعی عبارت هستند از:

– تأمین نیازهای متنوع مسکونی و نیازمندی‌های آینده: شناخت و تأمین نیازهای اولیه‌ی انسانی و شناخت حقوق نسل‌های امروز و آینده (McKenzie, 2004, 18).

– بهبود رفاه فردی: رفاه و نشاط، فراتر از سلامت جسمی و تحقق رفاه اقتصادی است. درآمد مناسب، ارتباطات اجتماعی و فردی، کار مناسب و حس مشارکت در جوامع محلی، ابعاد مهمی از این اصل هستند. این اصل متکی بر احترام و رضایت فردی، سلامت روحی و جسمانی، محترم شمرده شدن و ارتباط با خانواده و دوستان است (Housley & Atkins, 2007, 9).

– بهبود هم‌بستگی و مشمولیت اجتماعی: عوامل مؤثر در محرومیت مشتمل بر بیکاری، سطح تحصیلات پایین، فقر سلامت، درآمد پایین، مسکن نامناسب، میزان جرائم بالا و دسترسی کم است. به این دلیل یکی از اهداف کلیدی حکومت‌ها جلوگیری از جدایی‌های اجتماعی است (Housley & Atkins, 2007, 12).

– ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام گروه‌ها: پایداری اجتماعی، نیازمند رفتاری یکسان با همه‌ی گروه‌ها فارغ از سن، جنس، گروه‌های ناتوان جسمی یا با جهت‌گیری‌های خاص جنسی و دارای ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی است (McKenzie, 2004, 18-19 ; Housley & Atkins, 2007, 11).

- **بهبود حکمروایی مطلوب:** امکان بیان عقاید در سطوح تصمیم‌گیری، یکی از ابعاد مهم چارچوب مشمولیت اجتماعی است. کشورهای در حال توسعه، اغلب مؤسسات حکومتی، امکان بیان عقاید مردم را ایجاد نمی‌کنند؛ عقایدی که بر زندگی‌شان تأثیرگذار است. مشارکت سیاسی گسترده شهروندان نه تنها در فرآیند انتخاباتی، بلکه در فعالیت‌های سیاسی به‌خصوص در سطوح محلی مورد توجه قرار گیرد (McKenzie, 2004, 19 ; Housley & Atkins, 2007, 12).

- **بهره‌گیری از خلاقیت، تنوع و پتانسیل مردم:** زندگی مردم به‌واسطه‌ی مشارکت در دامنه‌ی وسیعی از هنرها، فرهنگ و فعالیت‌ها در شهر توسعه می‌یابد (Housley & Atkins, 2007, 13).

- **بهبود کیفیت زندگی** (McKenzie, 2004, 19).

در مدلی از پایداری اجتماعی که به‌وسیله‌ی انجمن خدمات اجتماعی استرالیا غربی^{۲۰} در سال ۲۰۰۰ توسعه یافت، تأکید بر موضوعات مسکن برای خانوارهای کم‌درآمد و توسعه‌ی مجموعه‌ای از معیارهای جامعه محلی پایدار مورد توجه قرار گرفت. در این تعریف، پایداری اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که فرآیند سیستم‌ها، ساختارها و ارتباطات رسمی و غیررسمی، فعالانه از ظرفیت‌های موجود و آینده‌ی نسل‌ها برای ایجاد جوامع سالم و سرزنده حمایت کنند. این مدل پنج اصل را برای تحقق جامعه‌ی محلی پایدار اجتماعی ارائه داده است؛ اصول برابری، تنوع، ارتباط، دموکراسی و کیفیتی مناسب زندگی، اصول کلیدی این رویکرد هستند.

- **برابری:** جامعه، فرصت‌های برابر برای تمام افراد، به‌خصوص گروه‌های فقیر به حاشیه رانده شده را تأمین نماید.

- **تنوع:** جامعه باید از پیشرفت و تشویق تنوع حمایت نماید.

- **ارتباطات داخلی:** جامعه باید فرآیندها، سیستم‌ها و ساختارهایی که ارتباط درونی و بیرونی جامعه را در سطوح رسمی و غیررسمی و موسسه‌ای موجب می‌شوند، فراهم آورد.

- **کیفیت زندگی:** جامعه باید تأمین نیازهای اولیه را تضمین نماید و عوامل تحقق کیفیت مناسب زندگی را برای همه در سطح فردی، گروهی و موسسه‌ای تحقق بخشد.

- **دموکراسی و حکمروایی:** جامعه باید فرآیندهای دموکراتیک و ساختارهای حکمروایی پاسخگو و شفاف را تحقق بخشد (McKenzie, 2004, 18-19).

۳-۴- شاخص‌های پایداری اجتماعی

تعیین شاخص‌های پایداری، از این جهت مهم است که تغییر از مباحث نظری توسعه‌ی پایدار به‌سوی سطوح عملکردی آن، نیازمند شناسایی سنجه‌ها و کاراکترهای ابعاد مختلف پایداری است، بدین منظور پروژه‌های بسیاری برای تعیین و توسعه‌ی شاخص‌های توسعه‌ی پایدار، مورد توجه قرار گرفته است. هر چند بر اساس بررسی‌ها دست‌یابی به شاخص‌ها، کاستی‌های نیز در این زمینه مشاهده می‌شود؛ یکی از علل کاستی‌ها، عدم شاخص‌سازی اصولی پایداری اجتماعی و عدم تبیین صحیح جایگاه آن در ارتباط با سایر اجزا توسعه‌ی پایدار است (حسین‌پور، ظهیری و موسائی، ۱۳۹۹). با این حال تمام تلاش‌ها در جهت شناسایی سنجه‌ها و کاراکترهای توسعه‌ی پایدار در جوامع محلی گوناگون و با اهداف مختلف شامل تصمیم‌سازی، مدیریت، حمایت، مشارکت، وفاق جمعی، پژوهش و تحلیل به خدمت گرفته شده؛ اگرچه هیچ سنجه‌ای به‌صورت جهانی پذیرفته نشده است. سنجش مفهوم پایداری و کمی کردن بعد اجتماعی پایداری امری بسیار مشکل است. این امر به‌دلیل ضرورت مشخص کردن تعریفی عینی از مفهوم پایداری اجتماعی است، چراکه ایجاد وفاقی جمعی که تمام اجزا پایداری اجتماعی را شامل شود، غیر ممکن است (Assefa & Frostell, 2007, 65).

با استناد به سه نظریه‌ی جامعه‌شناختی، کارکردگرایی ساختاری، نیازهای اولیه و سرمایه‌ی اجتماعی، شاخص‌های پایداری اجتماعی به دو دسته‌ی عینی و ذهنی بر اساس معیارهای نیازهای اساسی، منابع اجتماعی، فرصت‌های برابر، مشارکت، استمرار خود و تنوع فرهنگی تقسیم شده‌اند (Mutlak & Schwarze, 2013, 2) به نقل از واعظ راده، نقدی و ایاسه، ۱۳۹۴). در عین حال بررسی و مقایسه‌ی تطبیقی شاخص‌های پایداری اجتماعی از ابتدای ظهور مفهوم تا کنون نشان‌دهنده‌ی تغییر در شاخص‌های سنتی و نوظهور است. برای نمونه بررسی‌ها نشان می‌دهد در ابتدا، تأکید بر نیازهای اولیه و یا تأکیدات فنی در مقابل تأکید بر «منطق» است، درعین حال تغییر از تأکید صرف بر شاخص‌های مبتنی بر آمار، به‌سوی شاخص‌های ترکیبی که اختلاط داده‌های کمی و اطلاعات کیفی را شامل می‌شود، قابل مشاهده است.



در این بخش برخی از مهم‌ترین چارچوب‌ها، فعالیت‌ها و پروژه‌ها که شاخص‌های پایداری اجتماعی را بیان نموده‌اند، بررسی می‌شود. اولین چارچوب به‌وسیله‌ی سازمان ملل متحد برای توسعه‌ی پایدار^۳ تنظیم شده است. شاخص‌های پایداری مبتنی بر شاخص‌هایی هستند که در ارتباطی تنگاتنگ با اهداف توسعه‌ی هزاره بوده و بر پایداری به‌عنوان استانداردسازی و فرآیند تأکید دارد. موضوعات اصلی و فرعی چارچوب سازمان ملل متحد برای توسعه‌ی پایدار با هدف نظم‌دهی و انتخاب شاخص‌های توسعه‌ی پایدار شکل گرفته‌اند. این چارچوب در ابتدا مفاهیم را براساس ابعاد اولیه توسعه‌ی پایدار شامل بعد اجتماعی، محیطی و اقتصادی دسته‌بندی می‌کند و سپس بر اساس موضوع برای مثال تحصیلات و در نهایت براساس موضوعات فرعی مانند سواد به دسته‌بندی می‌پردازد. این موضوعات در زمینه‌ی اجتماعی توسعه‌ی پایدار عبارت هستند از: برابری، سلامت، تحصیلات، اسکان، امنیت و جمعیت (Hutchins & Sutherland, 2008, 1692) (جدول ۳).

جدول ۳- چارچوب موضوعات اصلی و فرعی سازمان ملل متحد برای توسعه‌ی پایدار در زمینه‌ی بعد اجتماعی پایداری (Hutchins & Sutherland, 2008, 1692)

موضوع اصلی	موضوع فرعی	شاخص
برابری	فقر	درصد جمعیتی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند. میزان بیکاری نابرابری درآمدی
	برابری جنسیتی	نسبت میانگین درآمد زنان به مردان
سلامت	شرایط تغذیه	شرایط تغذیه کودکان
	مرگ‌ومیر	مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال متوسط سن زندگی
	بهداشت	درصد جمعیتی که به تجهیزات مناسب فاضلاب دسترسی دارند
	آب آشامیدنی	جمعیتی که دسترسی به آب آشامیدنی دارند
تحصیلات	دسترسی به خدمات انسانی	درصد جمعیتی که به تجهیزات درمانی اولیه دسترسی دارند مصونیت در مقابل بیماری میزان رواج روش‌های جلوگیری از باروری
	سطوح تحصیلات	تعداد کودکانی که به سطح ۵ ام تحصیلات ابتدایی می‌رسند تحصیلات ابتدایی
	سواد	میزان باسوادی بالغین
اسکان	شرایط زندگی	میزان سرانه برای هر نفر
امنیت	جرم	میزان جرائم گزارش شده در ۱۰۰/۰۰۰ نفر
جمعیت	تغییرات جمعیتی	میزان رشد جمعیت میزان جمعیت سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی شهری

همان‌طور که مشاهده می‌شود، سنجه‌های ارائه شده توسط سازمان ملل متحد در رابطه با بعد اجتماعی پایداری، شاخص‌های نوظهوری در این بعد را که در رویکردهای توسعه‌ی پایدار اجتماعی مطرح شده مورد توجه قرار نمی‌دهد، هم‌چنین همان‌طور که مشاهده می‌شود شاخص‌های ارائه شده در سطوح پایینی سلسله‌مراتب نیازهای مازلو مطرح هستند. سایر شاخص‌ها که نشان‌دهنده‌ی جامعه‌ی پایدار اجتماعی هستند، موارد زیر را در بر می‌گیرد:

- تحقق برابری: در دسترسی به خدمات اصلی (مشمول بر سلامت، تحصیلات، حمل‌ونقل، مسکن و تفریح)؛ ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام اعضا؛ تحقق برابری برای گروه‌های محروم؛ برابری حقوق انسانی و برابری میان نسل‌ها، به این مفهوم که نسل آینده از فعالیت‌های نسل حاضر متضرر نشود (McKenzie, 2004, 18; Eizenberg & (Jabareen, 2017

- توجه به سیستم ارتباطات فرهنگی و تحقق یکپارچگی فرهنگی که در آن جنبه‌های مثبت فرهنگی متفاوت ارزش‌گذاری و نگهداری شوند (McKenzie, 2004, 18)؛

- توانمندسازی و فراهم آوردن زمینه‌ی مشارکت مدنی و سیاسی گسترده‌ی شهروندان نه تنها در فرآیند انتخاباتی، بلکه در فعالیت‌های سیاسی به‌خصوص در سطوح محلی مورد توجه قرار گیرد (McKenzie, 2004, 18; Eizenberg & Jabareen, 2017)؛

- ایجاد سیستم انتقال آگاهی پایداری اجتماعی از یک نسل به نسل دیگر (McKenzie, 2004, 18)؛

- حس مسئولیت اجتماعی برای حفاظت از سیستم‌های انتقال (McKenzie, 2004, 18)؛

- فراهم آوردن مکانیزمی برای جوامع محلی برای ارائه‌ی تعریف جامع قوت‌ها و نیازمندی‌ها؛ فراهم آوردن مکانیزمی برای تأمین نیازهای خود به‌واسطه‌ی فعالیت‌های ممکن در جامعه‌ی محلی؛ و فراهم آوردن مکانیزمی برای حمایت سیاسی، به‌منظور تأمین نیازهایی که به‌وسیله‌ی فعالیت‌های جامعه‌ی محلی محقق نمی‌شود (McKenzie, 2004, 12)؛

- هویت، حس مکان، فرهنگ و افزایش سرزندگی فرهنگی (CECC – Cultural Research Salon – SFU, 2006, 7; Colantonio, 2009, 7)؛

- رفاه، نشاط و کیفیت زندگی (Colantonio, 2009, 7)؛

- اختلاط اجتماعی، افزایش هم‌بستگی و ارتقا سرمایه اجتماعی (Colantonio, 2009, 7)؛

- شمول اجتماعی و ارتقا حس تعلق (Kohon, 2018).

بررسی تفصیلی شاخص‌ها نشان می‌دهد، با توجه به جنس بعد اجتماعی در مفهوم پایداری، شاخص‌های پایداری اجتماعی نمی‌توانند مانند شاخص‌های سنتی و پیشین پایداری ایستا، کمی‌نگر، توصیفی، محصول‌گرا، تک بعدی و... باشند و ضرورت توجه به ابعادی مانند عدم قطعیت، فرآیند محور بودن، توجه به جنبه‌ی کیفی و... شاخص‌ها به‌شدت احساس می‌شود. در جدول ۴ برخی از مهم‌ترین جنبه‌های تأثیرگذار بر بررسی شاخص‌های پایداری اجتماعی ارائه شده است.

سرزندگی فرهنگی
رفاه و ابتکار،
تنوع و ابداع

مسئولیت محیطی
تعادل اکولوژیکی

عدالت اجتماعی
همبستگی،
عدالت و تعهد

سلامت اقتصادی
رفاه مادی

تصویر ۳- ابعاد چهارگانه‌ی پایداری (CECC – Cultural Research Salon – SFU, 2006, 1)

جدول ۴- بررسی شاخص‌های پایداری اجتماعی در دو روند سنتی و نوظهور (Colantonio, 2009, 15)

نوظهور	سنتی
عدم قطعیت	ایستا
هیبریدی (ترکیبی)	کمی
فرآیندگرا	محصول‌گرا
استراتژیکی	توصیفی
چند بعدی	تک بعدی
توجه به هنجار و اهداف	وابسته به هدف
گزینش حساس و مبتنی بر تکرار	گزینش از بالا به پایین



۳-۵- بررسی مفاهیم نوظهور فرهنگی در بعد پایداری اجتماعی

همان‌طور که پیش از این در بررسی مفهوم، ابعاد و شاخص‌های پایداری اجتماعی مشاهده شد، ابعاد مرتبط با موضوع فرهنگی درون بعد پایداری اجتماعی مطرح شده‌اند. تا سال ۲۰۰۲، مفهوم توسعه‌ی پایدار زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز پوشش داد اما پس از آن، به‌عنوان بعدی مجزا در مدل پایداری مطرح شده است (Hall, 2002). در تصویر شماره‌ی ۴ مدل چهاربعدی پایداری مشتمل بر پایداری محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه شده است.

این مدل، چهار بعد به‌هم پیوسته شامل مسئولیت محیطی، سلامت اقتصادی، عدالت اجتماعی و سرزندگی فرهنگی را با هم ترکیب می‌کند. بدین ترتیب پایداری، ذره‌بینی فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهند که امکان ارزیابی تأثیرات محیطی، اقتصادی و ابتکار اجتماعی که در شهرها و جوامع محلی اجرا شده را فراهم می‌آورد (CECC – Cultural Research Salon – SFU, 2006, 1-2).

اهمیت توجه به بعد فرهنگی پایدار که پیش از این به‌عنوان جزئی از عناصر پایداری اجتماعی مطرح بوده، به‌دلایل متعددی مانند روند رو به رشد اقتصاد جهانی و جهانی شدن و ضرورت حفظ هویت فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. به‌همین دلیل، برنامه‌ریزی با اهداف خاص پایداری فرهنگی نیز در اقتصاد جهانی مورد توجه قرار گرفته است.

بدین ترتیب یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در مطالعات اقتصادی، حفاظت و نگهداری از تداوم فرهنگی در محیط کالبدی است که به‌سرعت، به‌واسطه‌ی استانداردسازی و جهانی شدن صنعت ساختمان در حال تعیین‌گری است؛ بنابراین می‌توان با ایجاد وفاق میان خواست‌های صنعت جهانی ساختمان و سنت‌ها و فرهنگ محلی با شعار جهانی فکر کنیم و محلی عمل نماییم؛ حفاظت از میراث مدرن و آگاهی یافتن از آمال نسل آتی گامی مؤثر در این مسیر برداریم (Perry, 2006, 6).

درعین‌حال شناسایی اجزاء فرهنگی در این مرحله نیز بسیار کارآمد است، ابعاد متنوع فرهنگی یک جامعه‌ی محلی هم محسوس و هم غیر محسوس است که بسیاری از ابعاد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و محیطی یک جامعه‌ی محلی را شامل می‌شوند. اجزاء کلیدی فرهنگی در یک جامعه‌ی محلی هم‌چنین به‌عنوان لنگری هستند برای برنامه‌ها و سیاست‌ها که تضمین‌کننده‌ی منابع فرهنگی به‌عنوان یکی از ابعاد جوامع محلی پایدار هستند. اجزاء فرهنگی در جامعه‌ی محلی قابل دسته‌بندی در چهار دسته‌ی کلی شامل دارایی‌های کالبدی (شامل میراث، خلق مکان، فضاها، جمع‌ی، هنر عمومی و...)، فرصت برای مشمولیت/تعهد فرهنگی (شامل فرصت‌های اجتماعی و فرصت‌های یادگیری)، رسانه و سیستم‌های حمایتی و سیاست‌های اصولی هستند (CECC – Cultural Research Salon – SFU, 2006, 2).

۳-۶- روش‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی

واژه‌ی «اجتماعی»، رفاه فردی و هم‌چنین تعاملات میان افراد را پوشش می‌دهد. در تأکید بر سطوح اجتماعی توسعه، هر فرد در جامعه سطوح متفاوتی از نیازها را که در سلسله مراتب نیازهای مازلو بیان شده را طلب می‌کند. تأثیرات اجتماعی می‌توانند از منظر بررسی رویکرد سطوح متفاوت نیازها مورد توجه قرار گیرد. مطابق با نقطه‌ی عطف ارزیابی تأثیرات اجتماعی ونکی^{۲۲}، تأثیرات اجتماعی متکی بر تغییرات مبتنی بر افراد است؛ بنابراین به‌منظور بررسی تأثیرات اجتماعی می‌توان مواردی شامل، روش زندگی (مردم چگونه زندگی می‌کنند؟ چگونه کار می‌کنند؟ و به چه شیوه‌ای نقش‌آفرینی می‌کنند؟)؛ فرهنگ (عقاید، سنت‌ها و ارزش‌های مشترک)؛ اجتماع محلی (پایداری، هم‌بستگی و خدمات و تجهیزات)؛ سیستم‌های سیاسی (مشارکت در تصمیم‌ها)؛ محیط (سودمندی، کیفیت و دسترسی)؛ سلامت و رفاه (مشتمل بر ابعاد و معیارهایی که سازمان جهانی سلامت^{۲۳} تعیین می‌کند)؛ حقوق شخصی و املاک (حقوق انسانی)؛ ترس و آرزوها (درک ایمنی و آینده‌نگری) را بررسی نمود (Assefa & Frostell, 2007, 67).

در بررسی روش‌های ارزیابی که در موضوع پایداری مورد استفاده قرار می‌گیرند، بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد محدودی از روش‌ها در زمینه‌ی پایداری وجود دارد. ارزیابی‌های در زمینه‌ی سنجش تأثیرات اجتماعی در پایداری توسعه، معمولاً به‌وسیله‌ی روش‌های زیر سنجش می‌شوند.

- ارزیابی مؤثر اجتماعی^{۲۴} که به‌منظور مشتمل شدن سایر ابعاد پایداری، گسترش یافته است؛
- توسعه‌ی ارزیابی مؤثر محیطی^{۲۵} و ارزیابی محیطی استراتژیکی^{۲۶} که موضوعات اجتماعی را شامل می‌شود؛
- توسعه‌ی تعریف محیط و ایجاد پوشش موضوعی برای ارزیابی موضوعی-ارزیابی ویژه مانند ارزیابی مؤثر اجتماعی هاکینگ^{۲۷} (2007) (Colantonio, 2009, 11).

۴- تحلیل داده‌ها

۴-۱- بررسی ابعاد پایداری اجتماعی در ارکان برنامه‌ریزی راهبردی

در این بخش با توجه به ضرورت و اهمیت توجه به مفهوم پایداری اجتماعی، عناصر و شاخص‌های آن که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت، به بررسی ابعاد پایداری توسعه و به‌طور خاص بعد پایداری اجتماعی در برنامه‌ریزی راهبردی پرداخته می‌شود. پیش از برنامه‌ریزی عصر پسامدرن که با تغییراتی بنیادین در پارادایم، اصول و اهداف برنامه‌ریزی مواجه بود، توجه به برخی از ابعاد پایداری اجتماعی مانند مفاهیم عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی در برنامه‌ریزی‌ها مورد تأکید بوده است. به‌طور کلی، رواج و کاربرد مفهوم کیفیت زندگی در واقع واکنشی است علیه توسعه‌ی یک‌بعدی. منظور از کیفیت زندگی، در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی، روانی و فرهنگی در روند توسعه و عمران است که به نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان مربوط می‌شود. بی‌تردید مفاهیم رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی ارتباط تنگاتنگی با مفهوم عدالت اجتماعی دارد. در رویکردهای جدید برنامه‌ریزی و طراحی شهری کمک به گسترش عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه‌ی منابع و... به یکی از اهداف برنامه‌ها تبدیل شده است. برای نمونه ظهور برنامه‌ریزی حمایتی و برنامه‌ریزی عدالت‌خواه در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری ظهور یافته است (مهدیزاده، ۱۳۸۵، ۳۰۴).

هم‌چنین در بررسی جایگاه رفاه اجتماعی در برنامه‌ریزی می‌توان، بیانیه‌ی سازمان ملل متحد را در این خصوص بیان کرد؛ بر طبق نظر سازمان ملل متحد (۱۹۶۳) رفاه اجتماعی دامنه‌ی وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را در برمی‌گیرد که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهتر زیستن افراد جامعه صورت می‌گیرد. از عناصر رفاه اجتماعی امنیت شخصی، حقوق اجتماعی، محیط کالبدی و... در طول دو دهه‌ی گذشته مفهوم رفاه اجتماعی هم از نظر محتوا و هم از جهت نحوه‌ی مدیریت و نظارت بسیار غنی‌تر و گسترده‌تر شده است. در شرایط جامعه‌ی مدنی در واقع تأمین رفاه اجتماعی به‌عنوان بخشی از حقوق بشر، یکی از اهداف اساسی هر نوع برنامه‌ریزی است (مهدیزاده، ۱۳۸۵، ۳۰۳). اهم تحولات بنیادین که انقلابی در برنامه‌ریزی را سبب شده به‌قرار زیر است:

در عرصه‌ی شناخت‌شناسی: رواج و گسترش نظریه‌های پدیدارشناسی، هرمنوتیک و تاویل‌گرایی، خرد ارتباطی، نسبیت‌گرایی، نوپراگماتیسم و...

- در عرصه‌ی اقتصاد و توسعه: رواج و گسترش نظریه‌های توسعه‌ی پایدار، زیست بوم‌گرایی، کیفیت زندگی، شاخص‌های اجتماعی، اقتصاد زیست‌محیطی، اقتصاد گردشگری و...

- در عرصه‌ی سیاست و جامعه: رواج و گسترش نظریه‌های جامعه‌ی مدنی، کثرت‌گرایی، عرصه‌ی عمومی، اجتماع محلی، مشارکت عمومی و... (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۷، ۱۴).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، این تغییرات به‌خصوص در عرصه‌ی اقتصاد و توسعه و سیاست و جامعه، زمینه‌ی توجه به ابعاد توسعه‌ی پایدار و پایداری اجتماعی را فراهم آورده، شاخص‌هایی مانند عدالت، کیفیت و رفاه زندگی، مشارکت و حقوق شهروندی و... از مهم‌ترین مواردی است که در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. هم‌چنین توجه به ابعاد فرهنگی توسعه‌ی پایدار نیز، در قالب سیاست‌های تنوع و فرهنگ شهری مطرح می‌شود، قابل توجه است. از دیدگاه کاربردی‌تر، موضوعات محوری برنامه‌ریزی در عصر پسامدرن و بعد از پارادایم‌های برنامه‌ریزی جامع و سیستمی را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد: عدالت اجتماعی: در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زنان و...

- سیاست تنوع: حفظ تفاوت‌ها با توجه به تجانس‌ها و هویت‌ها و...

- شهروندی: تقویت هویت اجتماعی و هم‌بستگی؛

- اجتماع محلی: تأکید بر اجتماعات محلی و هویت محلی؛

- فرهنگ شهری: وفاق جمعی بر اساس همکاری، گفت‌وگو و تفاهم (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۷، ۱۸).

۵- یافته‌ها و بحث

از آغاز قرن بیستم میلادی و در پی شکل‌گیری نظریه‌های نوین در علوم انسانی با اتکا به رویکردهای کل‌نگرانه دنیای شرق به هستی، نظریه‌ی سیستم‌ها مطرح و برنامه‌ریزی‌های پس از خود را تحت تأثیر قرار داد. مفهوم اساسی سیستم که مورد تأیید همگان است، عبارت از موجودیتی است متشکل از عناصری مرتبط و متعامل و این ارتباط و تعامل به سیستم، به‌نوعی تمامیت



و کلیت می‌بخشد (فرشاد، ۱۳۶۲، ۴۳). شیوه‌های مختلف برنامه‌ریزی در نگاه کل‌نگر، به سیستم به‌عنوان یک بستر برنامه می‌نگرد و روش‌های خود را متناسب با منطق درونی آن سامان می‌دهد. از جمله روش‌های برآمده از نگاه کل‌نگر، برنامه‌ریزی راهبردی برای یک سیستم است. مفهوم راهبرد (استراتژی) سالیان متمادی به‌عنوان یک مفهوم نظامی به‌کار گرفته شده است. این مفهوم بعد از نیمه‌ی قرن بیستم میلادی در حیطه‌ی اقتصاد نیز وارد شد و در نیمه‌ی دوم این قرن وارد مباحث مدیریت و سازمان گردید. از این پس رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی برای یک سیستم مورد نظر قرار گرفت (مرادی مسیحی، ۱۳۸۴، ۲-۳). به‌طور کلی برنامه‌ریزی رایج در دهه‌ی ۱۹۶۰ به‌دلیل مشکلات نظری و روش‌شناختی در ابعاد اجتماعی؛ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مشکلات متعددی را پدید آورد. در این میان تأثیر دیدگاه‌های مختلف مانند جامعه‌شناسی بر برنامه‌ریزی (دانشپور، ۱۳۸۲)، منجر به آشکار شدن مشکلات برنامه‌ریزی فیزیکی و تغییر در برنامه‌ریزی مرسوم با رهیافت ساده و پذیرش برنامه‌ریزی فضایی و راهبردی شد. برنامه‌ریزی راهبردی به ابزاری کلیدی در رویارویی با معضلات شهری و دستیابی به آینده بهتر از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و... تبدیل شد (دانایی و شریف‌زادگان، ۱۳۹۸).

برنامه‌ریزی راهبردی، تلاشی سازمان‌یافته و منظم برای اتخاذ سیاست‌های بنیادین و انجام اقدامات اساسی است که سرشت و سمت‌گیری فعالیت‌های یک سامانه را در چارچوبی قاعده‌مند شکل می‌دهد (حمیدی‌زاده، ۱۳۸۴، ۴). همان‌طور که از تعریف برنامه‌ریزی راهبردی، به‌دلیل برخورد فرآیندی بر می‌آید، این نوع برنامه‌ریزی، یک نوع برنامه‌ریزی فرآیندی است. دلیل فرآیندی بودن برنامه‌ریزی راهبردی، نوع و گونه‌ی پدیده‌هایی است که برای آن‌ها برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. در برخورد و برنامه‌ریزی برای این نوع از پدیده‌ها، از آنجا که دائماً در حال تغییر هستند، باید گونه‌ای از برنامه‌ریزی صورت گیرد که قابلیت بازخورد و تطبیق با شرایط جدید در آن وجود داشته باشد (بهدافر و زمانیان، ۱۳۸۷، ۹۰). بنابراین برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) شیوه‌ای است نظام‌یافته جهت اتخاذ تصمیمات و اجرای فعالیت‌ها در خصوص شکل‌دهی و رهنمود یک سیستم، کارکرد و علل آن. وجوه افتراق آن از سایر روش‌های برنامه‌ریزی عبارت هستند از: گردآوری گزینشی اطلاعات، تعیین اهداف و تحلیل هدفمند داده‌ها، مشارکت تصمیم‌سازان، تبیین و ارزیابی گزینه‌ها، بررسی نتایج تصمیمات و تأکید بر اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌ها (مرادی مسیحی، ۱۳۸۱).

بررسی مبانی فکری، اهداف کلان برنامه‌ریزی راهبردی، ارتباط عمیق این نوع برنامه‌ریزی را با مفهوم توسعه‌ی پایدار نشان می‌دهد، در جدول شماره‌ی ۵ به تشریح این موارد ارائه شده است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۷، ۱۸). همان‌طور که مشاهده می‌شود اهداف کلان برنامه‌ریزی راهبردی در ارتباط با مفاهیم توسعه‌ی پایدار هستند. الگوی برنامه‌ریزی راهبردی به‌تبع خاستگاه نظری و اجتماعی خود؛ تا حدودی از نظریه‌های و دانش‌های عام فلسفی و علمی مانند نظریه‌ی سیستم‌ها، نظریه‌ی تصمیم، نظریه‌ی مشارکت، نظریه‌ی کثرت‌گرایی و دموکراسی، نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار، نظریه‌ی عدالت اجتماعی و مانند آن تأثیر پذیرفته است و بنابراین از ویژگی‌های عام علوم فلسفی و اجتماعی برخوردار است. هدف نهایی برنامه‌ریزی راهبردی، تحقق توسعه‌ی پایدار و اعتلای کیفیت زندگی برای تمام شهروندان است.

جدول ۵- ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۷، ۱۶ و ملک‌پور، علی محمدی و کاتوزیان، ۱۳۹۱)

پارادایم	مبانی فکری و اجتماعی	رویکرد	اهداف کلان	الگوی طرح‌های توسعه
برنامه‌ریزی راهبردی دوره‌ی نفوذ: ۱۹۸۰ تا کنون	نگرش راهبردی و تصمیم‌سازی دموکراسی و خرد جمعی حفظ ارزش‌های بومی و محلی	اجتماعی-مشارکتی (تأکید بر نقش نظارتی مردم/ تأکید بر نقش اجتماعات محلی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری/ ارتباط متقابل واقعیت فضایی-اجتماعی)	تحقق توسعه‌ی پایدار شهری گسترش عدالت اجتماعی تقویت مشارکت همگانی	سلسله مراتب طرح‌ها انواع طرح‌های محلی و کوتاه‌مدت پروژه‌های طراحی شهری

بنابراین الگوی برنامه‌ریزی راهبردی از خصلت جامعیت، انطباق‌پذیری و تعمیم‌پذیری نسبی برخوردار است؛ اما هر گونه استفاده درست از این الگو مستلزم انطباق مبانی آن با شرایط ویژه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و هر گونه گریز بر داری و تقلید سطحی از کاربردهای عملی آن در سایر کشورها با ماهیت نگرش راهبردی منافات دارد.

به عبارتی، برنامه‌ریزی راهبردی یک مفهوم، فرآیند یا ابزار جدا و واحد نیست و در واقع مجموعه‌ای از مفاهیم، روش‌ها و ابزارهایی است که باید به نسبت شرایط موجود شکل گرفته و به کار گرفته شوند تا به نتایج مطلوب منتهی گردد. برنامه‌ریزی راهبردی بیشتر در مورد فرآیند، طراحی اصولی، تجهیز و همچنین ایجاد نظریه‌های پایه مرتبط است. محتوا نیز با موضوعات استراتژیک منتخب در فرآیند مرتبط است. در اروپا مباحث مربوط به محیط تا حدودی با تأکید جنبش حفاظت از محیط‌زیست بر استفاده‌ی صحیح از منابع پایدار و جنبش‌های شهروندی و تأکید آن‌ها بر کیفیت زندگی در مکان‌های خاص و تنوع آن‌ها مرتبط است. توسعه‌ی پایدار نیز به مفهومی پرکاربرد تبدیل شده است که به امکان ایجاد یک استراتژی مثبت برای ترکیب اهداف اقتصادی، محیطی و اجتماعی در تظاهر فضایی آن‌ها مربوط می‌شود. در این روش تنها به تمرکز بر مقوله کاربری زمین اکتفا نمی‌شود، در عوض تمرکز بر مکان با ارتباط به یک حرکت سیاسی-فرهنگی، برای حمایت دوباره از اهمیت هویت و تصویر ذهنی منطقه‌ای یا محلی در مواجهه با مفهوم جهانی شدن است (Albrechts, 2004, 748-749).

در تعریف برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری آمده است که این نوع برنامه‌ریزی، رویکردی نوین در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه و عمران شهری است که با اتکا به اصول توسعه‌ی پایدار شهری بر ترسیم چشم‌انداز، تدوین اهداف توسعه، رویارویی همه‌جانبه و منظم با مسائل اساسی شهر (موضوعات کلیدی و ساختاری شهر)، استفاده بهینه و اثربخش از منابع کمیاب (حفاظت و اعتلای کیفیت محیط) و دستیابی به نتایج عموم (تأکید بر اجرا و مشارکت) استوار است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۷، ۲۰). همان‌طور که در تعریف نیز ارائه شده برنامه‌ریزی راهبردی بر تحقق توسعه‌ی پایدار تأکید دارد؛ اما آنچه حائز اهمیت است توجه متعادل بر تمام ابعاد توسعه‌ی پایدار مشتمل بر ابعاد زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی توسعه‌ی پایدار در عرصه‌ی جهانی شدن و اقتصاد سرمایه‌داری و نمادین شهرها، موضوعی بسیار استراتژیک است که لزوم توجه به آن در قالب برنامه‌ریزی راهبردی به شدت احساس می‌شود.

با توجه به تمام تحولات و نظرات می‌توان گفت که در عرصه‌ی حیات اجتماعی و سیاسی موضوع تفکر راهبردی، برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت راهبردی، در طول دو، سه دهه‌ی اخیر روزبه‌روز غنی‌تر و پویاتر شده است. در واقع به نظر می‌رسد که رویکرد راهبردی در مفهوم وسیع و پویای خود دارای کیفیات و ویژگی‌هایی است که به‌طور نسبی امکان بیشتری برای نزدیک شدن و پاسخ گفتن به نیازها و الزامات برنامه‌ریزی و مدیریت جوامع کنونی فراهم می‌آورد.

۶- نتیجه‌گیری

تحقق توسعه‌ی پایدار بدون تحقق تمام ابعاد آن ناممکن است. پایداری اجتماعی، به عنوان یک مفهوم مستقل در توسعه‌ی پایدار، مفهومی گسترده است که از دهه‌ی ۱۹۸۰ تا کنون تحولات گسترده‌ای را در ابعاد و عناصر آن داشته و هم اکنون ابعاد مختلفی از مسائل اجتماعی را شامل می‌شود. توجه به این بعد از پایداری از آنجاکه اهدافی مانند تحقق برابری و عدالت، بهبود سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت مدنی و سیاسی، کثرت‌گرایی و... را مد نظر دارد و به ایجاد جوامع محلی پایدار منجر می‌شود، حائز اهمیت است. تأکید بر ابعاد اجتماعی توسعه، در کشورهای در حال توسعه بر خلاف کشورهای توسعه یافته، بیشتر بر ابعاد پایین و سنتی پایداری اجتماعی است، اما به هر طریق تحقق پایداری اجتماعی به عنوان یک ضرورت باید مورد توجه باشد. به منظور تحقق این بعد از پایداری، لازم است تا آگاهی لازم نسبت به اهمیت این بعد و تحقق متعادل تمام جنبه‌های پایداری مورد توجه قرار گیرد و به عنوان بعدی مستقل بررسی شود. در این راستا شناخت ابعاد و شاخص‌های پایداری اجتماعی با توجه به شرایط هر جامعه و در سطوح کلان، میانی و خرد برنامه‌ریزی باید در نظر گرفته شود. بی‌شک در سطوح کلان برنامه‌ریزی که بستر مناسبی برای تحقق پایداری اجتماعی را فراهم می‌آورد، نیز باید به آن توجه نمود. در این نوشتار به بررسی این توسعه‌ی پایدار و این بعد از پایداری در برنامه‌ریزی راهبردی پرداخته شد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این برنامه، در مبانی و اهداف کلان از پارادایم توسعه‌ی پایدار بهره‌مند شده است؛ اما بی‌شک لازم است تا زمینه تحقق آن در عمل نیز به واسطه‌ی برنامه‌های سطوح پایین‌تر فراهم شود.

- 1- OECD
- 2- GNP
- 3- Triple bottom line
- 4- Harris
- 5- Goodwin
- 6- Chris Cocklin
- 7- CSR
- 8- Sen
- 9- Sachs
- 10- Coleman
- 11- Putnam
- 12- Rees and Wackernagel
- 13- Chambers
- 14- Healey
- 15- Elkington
- 16- Layard
- 17- Rotmans
- 18- Loorbach
- 19- Brown
- 20- Western Australian Council of Social service (WACOSS)
- 21- UNDSO
- 22- Vanclay
- 23- WHO
- 24- SIA
- 25- EIA
- 26- SEA

منابع

- بهزادفر، مصطفی. زمانیان، روزبه (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری با تکیه بر بخش محصول، نمونه موردی: شهرستان نیشابور. نشریه‌ی بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ویژه‌نامه مهندسی معماری و شهرسازی، ۱۹ (۶)، ۸۹-۱۰۳.
- بی. نا (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی استراتژیک در کلان شهرها. وراز مرادی مسیحی. تهران: شرکت نشر پردازش و برنامه‌ریزی شهرداری تهران.
- حسین‌پور، بتول. ظهیری، هوشنگ. موسائی، میثم (۱۳۹۹). ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی در محلات منطقه‌ی پانزده کلان‌شهر تهران. دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۷ (۲)، ۲۳۷-۲۱۷.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی راهبردی. تهران: انتشارات سمت.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی راهبردی و استقرار مدیریت دانش. اولین کنفرانس مدیریت استراتژیک، تهران.
- دانشپور، زهره (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه‌ریزی اختیار راهبردی: ویژگی‌ها، تفاوت‌ها و پیش‌شرط‌ها. مدیریت شهری، ۱۴، ۲۳-۱۴.
- دانش‌مهر، حسین. کریمی، علیرضا. محمدی، انور (۱۳۹۷). بررسی وضعیت پایداری اجتماعی منطقه‌ی ۷ شهرداری تهران با تاکید بر راهکارهای تقویت آن. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۸ (۲۷)، ۳۹-۱.
- دانیالی، سحر. شریف‌زادگان، محمدحسین (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری مبتنی بر رویکرد سناریونویسی (مطالعه موردی: شهر قزوین). مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۳ (۶)، ۴۷-۳۱.
- فرشاد، مهدی (۱۳۶۲). نگرش سیستمی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- لقایی، حسنعلی. محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر مفهوم توسعه شهری پایدار و نقش برنامه‌ریزی شهری. نشریه‌ی هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۶ ۴۳-۳۲.
- ملک‌پور اصل، بهزاد. علی محمدی، علی. کاتوزیان، صادق (۱۳۹۱). زمینه‌های مطرح در برنامه‌ریزی راهبردی برای تجدید حیات شهری و مقایسه‌ی تطبیقی چارچوب نظری و الزامات به‌کارگیری آن در برنامه‌ریزی راهبردی-ساختاری شهر تهران. هفت شهر، ۴۱-۴۲، ۵۷-۳۶.
- مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی استراتژیک و کاربرد آن در شهرسازی ایران. تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.



- منصوری، امیر (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی استراتژیک، ضرورت اصلی مدیریت بحران زلزله در تهران. اولین سمینار ساخت و ساز در پایتخت.
- موسی کاظمی محمدی، سید مهدی (۱۳۸۰). توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاه‌ها. *مجله تحقیقات جغرافیایی*، ۱۶ (۶۲)، ۹۴-۱۱۳.
- مهدیزاده، جواد و همکاران (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر و جایگاه آن در ایران)*. وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی. تهران: نشر پیام سیم.
- نسترن، مهین. قاسمی، وحید. هادیزاده زرگر، صادق (۱۳۹۱). ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه (ANP). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴ (۵۱)، ۱۷۳-۱۵۵.
- واعظ‌زاده، ساجده. نقدی، اسدالله. ایاسه، علی (۱۳۹۴). مولفه‌های پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران. *مجله مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران*، ۷ (۲)، ۴۵-۵۹.
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۷). *اصلاح نظام مدیریت توسعه شهری در ایران، براساس رویکرد راهبردی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری.
- Assefa, G. & Frostell, B. (2007). Social sustainability and social acceptance in technology assessment: A case study of energy technologies. *Technology in Society*, 29, 63-78.
- Bohm, S. Misoczky, M.C. & Moog, S. (2012). Greening Capitalism? A Marxist Critique of Carbon Markets. *Organization Studies*, 11, 1-22.
- CECC – Cultural Research Salon – SFU (2006). Culture: The Fourth Pillar of Sustainability. CECC – Cultural Research Salon – SFU, March 31.
- Colantonio, A. (2009). *Social Sustainability: Linking Research to Policy and Practice*. Belgium: Sustainable Development -A Challenge for European Research, Brussels.
- Eizenberg, E. & Janareen, Y. (2017). Social sustainability: A new Conceptual Framework. *Sustainability*, 9(1), 1-16.
- Bechtel, R., & Churchman, A. (2002). *Handbook of Environmental Psychology*. USA: New York, John Wiley & Sons.
- Goodland, R. (2002). *Sustainability: Human, Social, Economic and Environmental*. USA: Washington, DC, John Wiley & Sons, Ltd.
- Hall, P. (2002). *Urban Future 21, A Global Agenda for Twenty-First Century Cities*. England: London, Spon Press.
- Hawkes, J. (2001). *The Fourth Pillar of Sustainability: culture's essential role in public planning*. Cultural Development Network, Common Ground P/L, Melbourne. (Available at: <http://cdn.publisher-site.com/ProductShop>).
- Housley, A. & Atkins, S. (2007). Transport and Social Sustainability. Transport Practitioners Meeting-Manchester.
- Hutchins, M. J. & Sutherland, J. W. (2008). An exploration of measures of social sustainability and their application to supply chain decisions. *Journal of Cleaner Production*, 16, 1688-1698.
- Janssen, C., Daamen, T. A. & Verdass, C. (2021). Planning for Urban Social Sustainability: Towards a Human-Centred Operational Approach. *Sustainability*, 13, 1-17.
- Kohon, J. (2018). Social inclusion in the sustainable neighbourhood? Idealism of urban social sustainability theory complicated by realities of community planning practice. *City, culture and society*, 15, 14-22.
- Marta, B. & Giulia, D. (2020). Addressing Social Sustainability in Urban Regeneration Processes. An Application of the Social Multi-Criteria Evaluation. *Sustainability*, 12, 1-20.
- McKenzie, S. (2004). *Social Sustainability: Towards Somme Definition*. South Australia: Hawke Research Institute Working Paper Series No 27, University of South Australia Magill.
- Mutlak, N. & Schwarze, R. (2013) Elements of a theory of social sustainability. Taking stock of socialscience approaches, Unpublished manuscript. (Available at: <https://www.researchgate.net/publication/259465973>).
- Perry, G. (2006). Planning Cultural Sustainability in a Global Economy. 42nd ISoCaRP Congress.
- The city of Spruce grove (2016). *Social sustainability plan*. Canada: The city of Spruce grove, Alberata.
- Tweed, C. & Sutherland, M. (2007). Built cultural heritage and sustainable urban development. *Landscape and Urban Planning*, 83, 62-69.
- Albrechts, L. (2004). Strategic (spatial) planning re-examined. *Environmental and planning B: planning and design*, 31, 743-758.

An Overview of the Importance of Social Sustainability in Strategic Planning

Reza Farahbakhsh Daghigh¹, Maryam Mohammdi²

Abstract

Social sustainability is a relatively emerging concept in the dimensions of sustainable development. The concept of social sustainability includes the dimensions of social capital, equality and social justice, social solidarity, cultural dimensions, and so on. Social sustainability is a broad and deep concept that includes many elements and characteristics. Simultaneous attention to three dimensions of sustainability, including the environmental, economic and social dimensions, and considering the independent and effective nature of the social sustainability dimension, is essential for achieving sustainable development. Paying attention to restoring social stability at different levels of planning and design in the city is an important issue that should be given special attention. Today, sustainability has been considered as a dominant paradigm in a variety of planning and planning patterns due to the importance of the subject. Thus, the need to pay attention to the social and cultural dimensions of social sustainability in macro-planning to realize the basic concept of development sustainability is strongly felt. The method of this research is qualitative content analysis and therefore through articles' review in this field, and their analysis, the concept of social sustainability is explained and then based on an analytical approach, its position in strategic planning is defined. Examining the principles and goals of strategic planning shows that one of the important approaches to achieve this plan is to pay attention to social and cultural dimensions as one of the important axes of this type of planning.

Keywords: Sustainability, Social Sustainability, Strategic Planning.

1. **MA** of Urban Design, Faculty of Architecture and Urban Designing Engineering, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author) (Email: farahbakhsh.reza@gmail.com)

2. **Associate Professor**, Urban Design Department, Architecture & Urban Planning Faculty, University of Art, Tehran, Iran. (Email: m.mohammadi@art.ac.ir)